



ISSN: 2980-9614

Rational Explorations
Vol.3, No.2, Autumn 2024



Worship with Sacrifice in Hinduism and a Comparison with the Philosophy of Worship and Devotion from Mulla Sadra's Perspective

Mohammad Elahi

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine,
Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	<i>Worship is undoubtedly the ultimate form of humility and submission before God. In the Holy Quran, worship holds a lofty status and is presented as the purpose of creation. The study of human history reveals that wherever humans have existed, worship has been present. Mulla Sadra, in his transcendent philosophy (Hikmat al-Muta'aliya), explores the position and significance of worship. In his view, the perfect human is characterized by the application of both theoretical and practical intellect, engagement in worship, the elimination of internal and external temptations and veils, and adherence to the Sharia and spiritual path (Tariqah). Mulla Sadra's philosophy of worship is rooted in cosmology, anthropology, and theology. His ontology, knowledge of the self, and knowledge of God provide the necessary framework for understanding his philosophy of worship. In this article, we aim to explain Mulla Sadra's views on worship and obedience, and then compare it to the practice of sacrificial worship in Hinduism, particularly as depicted in the Upanishads.</i>
Received: 28/07/2024	
Accepted: 02/10/2024	
	<i>. Keywords: Mulla Sadra; Sacrificial Worship; Worship</i>

***Corresponding Author: Mohammad Elahi**

Address: Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Medicine, Fasa University of Medical Sciences, Fasa, Iran

E-mail: mohammad.amirabad@yahoo.com



ISSN: 2980-9614

فصلنامه علمی

کاوش های عقلی



عبادت با قربانی در هندوها و مقایسه با حکمت طاعات و عبادات از منظر ملاصدرا

محمد الهی

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی فسا، فسا، ایران

mohammad.amirabad@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	قطعا عبادت، نهایت خضوع و اظهارذلت به درگاه خداوند است. عبادت در قرآن کریم از جایگاه بالایی برخوردار است و به عنوان هدف خلقت بیان شده است. مطالعه ی آثار زندگی بشر نشان داده هر زمان که بشر وجود داشته، پرستش هم بوده است. ملاصدرا در حکمت متعالیه، به تبیین جایگاه و منزلت عبادت می پردازد. انسان کامل از نظر او به، بکارگیری عقل نظری و عقل عملی و به عبادت و نابود کردن وسوسه ها و حجاب هایی درونی و بیرونی و التزام به شریعت و طریقت موصوف است. در این راستا فلسفه عبادت ملاصدرا، بر جهان شناسی، انسان شناسی و خداشناسی استوار می گردد، و این وجود شناسی، معرفه النفس و خداشناسی صدرا می است که امکانات و مواد لازم را برای حصول فلسفه عبادت او فراهم می آورد. ما در این مقاله برآنیم تا به تبیین طاعات و عبادات از منظر ملاصدرا و سپس مقایسه آن با عبادت با قربانی در آیین هندوها (اوپانیشادها) پردازیم.
دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱	

کلیدواژه: عبادت، ملاصدرا، عبادت با قربانی

۱- مقدمه

یکی از ویژگی‌های هویت آدمی که زمان هیچ وقت نمی‌تواند در آن تاثیر داشته باشد حس پرستش و گرایش بدن است. پرستش، آن حالتی را می‌گویند که در آن انسانی ک توجهی می‌کند از ناحیه باطنی خودش به آن حقیقتی که او را آفریده است و خودش را به او نیازمند می‌بیند. این امر قطع نظر از هر اثری خودش یکی از نیازهای روحی و فطری بشر است. در میان گرایش‌های فطری انسان، گرایش به پرستش معبود، جایگاهی رفیع را به خود اختصاص داده است و به همین علت در طول تاریخ، انسان‌ها همیشه جهت پاسخگویی به این حس درونی معبودهای مختلفی را عبادت کرده‌اند، اما همواره چگونگی آداب پرستش و خصوصیات این معبودها متفاوت بوده است. عبادت که به عنوان هدف آفرینش انسان تعیین شده است اسراری دارد که غیر از آداب و احکام ظاهری است و عبادات الهی با اختلاف درجاتی که نسبت به هم دارند برای تقویت بعد روحانی و درجه تکامل آدمی در سلوک وضع شده‌اند، تا انسان‌ها از عالم جسم به فضای روحانی و مقام قرب الهی برسند. ملاصدرا در حکمت متعالیه، به تبیین جایگاه و منزلت عبادت می‌پردازد. به اعتقاد او، انجام عبادت‌ها به بالا رفتن روح و جسم از مدار هستی و دستیابی به سعادت‌ها کمک می‌کند. تبدیل دائمی نفس و جسم انسانی، به واسطه پیروی از عبادت‌های شرعی به سوی تعالی و تکامل راه می‌یابد و امکان فراروی از عالم شهادت به عالم غیب و تولد مراتب عالی عقل نظری را فراهم می‌سازد. عبادت‌ها حتی در جسم انسانی نیز تأثیر می‌گذارند و آن را به سمت روحانی شدن سوق می‌دهند. در آیین هند، دوره اوپانیشادها، دوره‌ای بود که اندیشه‌های خشک و متعصب جای خود را به ارزنده‌ترین آثاری داد که معنویت و فرهنگ هندو به عالم فلسفی تقدیم کرد. در دوره قبل از اوپانیشادها، اجرای رسم‌ها و آیین‌های عبادی به شکل صوری و خشک بود اما با ظهور اوپانیشادها شیوه تحقیق، باطنی گردید و نگرش فلسفی از بیرون به درون گرایید و قربانگاه دیگر به پیکر و جسد مرتاض و قربانی دگر به حیات او و هدف قربانی دگر به ذات و حقیقت او شد. این گرایش به درون و باطن و جستجوی کلید راستی‌ها و سزاواری‌های درون، از ویژگی‌های جداکننده اوپانیشادها است. ما در این مقاله برآنیم تا به بررسی و تبیین عبادت و توضیح معنا و مفهوم طاعت، عبادت از منظر ملاصدرا و همچنین مبحث عبادت با قربانی از منظر اوپانیشادها را بیان کرده و سپس به مقایسه‌ی حکمت عبادت، از منظر ملاصدرا و عبادت در آیین اوپانیشادها بپردازیم.

۲- مفاهیم عبادت و قربانی

۲-۱ عبادت

کلمه عبادت در قرآن عظیم الشان بصورت کل ۲۷۵ بار ذکر گردیده است. عبادت از ریشه «عَبَدَ» و به معنای پرستش و اطاعت خاشعانه و نهایت خضوع است. از ریشه عبد دو مصدر عبودیت و عبادت مشتق شده است. این دو اصطلاح در عبری و عربی مورد استفاده قرار گرفته، و دارای یک معنی می-باشد. عبادت را علماء به حبل متین محکمی و مستحکم در حیات فردی و اجتماعی و حتی سیاسی انسان معرفی داشته است. انسان از طریق عبادت با پروردگار خویش مرتبط می‌شود. انسان با عبادت صادق در رحمت پروردگار قرار می‌گیرد و به عزت کمال می‌رسد و جان و روحش را در معرض رحمت پروردگار قرار می‌دهد. «و ما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون» (سوره الذاریات: آیه ۵۶) جن و انس را نیافریدیم مگر برای اینکه مرا پرستش کنند. یعنی هدف از خلقت که رسیدن انسان به کمال مطلق باشد، تنها از راه عبادت میسر می‌گردد (سعیدی، ۱۳۹۴، ص ۲).

عبادت همان خضوع، فروتنی و اطاعت است. از باب مثال، زبیدی، جوهری و ابن منظور هر یک عبادت را به معنای طاعت؛ و عبودیت را به معنای خضوع و تذلل تعریف می‌کنند. زبیدی می‌گوید: «عبادت، به کسر عین، به معنای «طاعت» است، و اگرچه بعضی از اهل لغت عبادت را به معنای انجام عملی که رضایت خداوند را در پی داشته باشد، تعریف کردند اما تعریف اول قوی است» (مرتضی زبیدی، ۱۹۷۰، ص ۳۳۰). جوهری می‌گوید: عبادت همان طاعت است. تعبید یعنی کوچک شمردن. راه مَعْبُد به معنای راه هموار شدن است (جوهری، ۱۳۷۶، ص ۵۰۳). ابن منظور نیز می‌گوید: عبادت به معنای طاعت است (ابن منظور، ۱۹۵۶م، ص ۱۰). همچنین راغب در المفردات در معنای عبادت می‌نویسد: عبودیت به معنای اظهار تذلل است و معنای عبادت از عبودیت رساتر است. زیرا به معنای نهایت تذلل است و جز خداوند هیچ کس سزاوار آن نیست (راغب اصفهانی، ۱۹۹۶م، ص ۳۵۷).

ابن تیمیه نیز در معنای لغوی عبادت می‌نویسد: عبادت در لغت به معنای «ذل» - خضوع - است، کما اینکه به «طریق معبد» راه هموار شده گفته می‌شود (ابن تیمیه، ۱۳۷۴، ص ۴۸). واژه ذُل مصدر ذلیل است و در لغت به معنای «هون» است، کما اینکه واژه «هون» به معنای سکینه و وقار و همچنین به معنای رام شدن و تسلیم بودن است. لذا عبادت در لغت را می‌توان رام شدن و تسلیم بودن معنا کرد. البته به نظر می‌رسد چنین برداشتی صحیح نیست. زیرا بین عبودیت و عبادت فرق است، کما اینکه لغت‌شناسان به آن تصریح کرده‌اند (ابن منظور، ۱۹۵۶م، ص ۴۳۸).

زبان‌شناسان عبودیت را به معنای تذلل و خضوع، و عبادت را به معنای غایت خضوع تعریف کردند و فرقتشان به خوبی واضح است. زیرا یکی مصدر و دیگری اسم مصدر است. البته در معنای عبادت جای بحث و اشکال است. زیرا بر فرض اینکه عبادت اسم مصدر باشد باز اسم مصدر دلالت بر وقوع حدث می‌کند، کما اینکه مصدر بر حدث دلالت می‌کند (یعنی عبودیت مصدر و عبادت اسم مصدر خواهد بود) و باز قید «نهایت» قیدی اضافی خواهد بود. زیرا اسم مصدر فقط بر صدور حدث دلالت می‌کند نه بیشتر. اگر کسی بگوید عبودیت و عبادت هر دو مصدر هستند باز اشکال فوق به قوت خود باقی است، این در حالی است که بیشتر زبان‌شناسان معنای عبودیت را مصدری و معنای عبادت را اسم مصدری گرفته‌اند.

بنابراین، واژه «عبادت» در شریعت اسلام به معنای ویژه‌ای به کار رفته است و به معنای لغوی اختصاص ندارد؛ مانند کلمه‌های صلوة، زکوة و صیام که در اصطلاح شرع در معنای ویژه‌ای به کار رفته‌اند؛ و لذا بعضی از اهل لغت (راغب در مفردات و ...) به چنین نکته ظریفی ملتفت شده‌اند و در تعریف لغوی به آن اشاره کرده‌اند. (شریفات، ۱۳۹۴، صص ۵-۱).

۲-۲ قربانی

برای قربانی تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. معادل انگلیسی قربانی "Sacrifice" است که از *Sacrificium* گرفته شده و آن ترکیبی است از دو کلمه *Sacere* به معنای مقدس و کلمه *Facere* به معنای ساختن (Henninger, Joseph, "Sacrific", in: *The Encyclopedia of religion*, p.554). لفظ «قربان» که در عربی از «قرب» به معنای نزدیکی گرفته شده است، می‌رساند که در همه قربانی‌ها، نزدیکی جستن به خدا یا خدایان و یا قوای فوق طبیعی مدنظر بوده است؛ در حالی که کلمه *Sacrifice* که تقریباً معادل قربانی است، می‌رساند که شیء قربانی شده برای خدایان، به وسیله‌ی قربانی کردن، جنبه‌ی تقدس و خدایی به خود گرفته است (مصاحب، ۱۳۸۰، ص ۲۵۳۳).

دایرةالمعارف دین، اصطلاح قربانی را عملی مذهبی می‌داند که در آن، چیزهایی از مایملک شخص خارج شده و به خدا یا یک نیروی فوق طبیعی اختصاص داده و تقدیم می‌شود (Henninger, Ibd, p.554).

برخی دیگر، قربانی را به آیینی تعریف کرده‌اند که طی آن، چیزی فدا شده یا از بین می‌رود و هدف از آن، برقراری رابطه‌ای است بین یک نیروی ماوراءالطبیعی و کسانی (انسان‌ها) که به این نیرو نیازمندند.

این رابطه می‌تواند برای کسب یک نیروی معنوی باشد که تصور می‌شود در طی یک وعده‌ی غذایی مشترک بدست می‌آید و یا جهت رفع نقص‌ها و سستی‌های بشر (James: 1).

آیین قربانی در اغلب ادیان وجود داشته و نوعی پرستش به شمار می‌رود. پرستش، حالتی است که در آن انسان از درون خود به حقیقتی که او را آفریده، توجه می‌کند و خودش را نیازمند او می‌بیند. وقتی حالت پرستش در انسان پدیدار می‌شود، خواه‌ناخواه انسان در برابر آن عظمت سر به کرنش می‌گذارد و او را حمد و ستایش می‌کند. انسان در این حالت گوش به فرمان معبود است تا تمام اوامر و نواهی او را رعایت کند. بنابراین آیین قربانی را می‌توان نوعی سرسپردگی نسبت به معبود حقیقی دانست (آقایی میبیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۸).

۱-۲-۲ منشاء قربانی

در مورد منشاء، نقش و هدف قربانی در ادیان، نظریه‌های متفاوتی ارائه شده است و این اختلاف آراء به اختلاف مبانی آن‌ها در منشاء دین بازمی‌گردد. اینکه یک دین پژوه منشاء و پیدایی دین را چه می‌داند در کارکردها و اهداف آموزه‌های دینی نقش بسزایی دارد. پس برای بررسی منشاء قربانی، باید به دیدگاه‌های گوناگون درباره منشاء دین بپردازیم. اغلب دیدگاه‌های گوناگون درباره منشاء دین و ماهیت و قلمرو آن از قرن نوزدهم به بعد ارائه شده است. دین‌پژوهان این دوره، بیشتر به تبیین فلسفه اجتماعی دین می‌پردازند تا به جنبه‌های کلامی آن (استیس والتر، ۱۳۷۷، صص ۱۳-۱). دین نزد آن‌ها پدیده‌ای آسمانی و مقدس نیست؛ بلکه پدیده‌ای بشری و تاریخی است. آن‌ها دین را از حیث منشاء، خاستگاه، تحول، تنوع، تأثیر و تأثرات آن در بافت اجتماع، تعامل دین با نهادهای دیگر اجتماع و... بررسی می‌کنند. این برخلاف دین‌پژوهان سنتی است که دین نزدشان، نظام اعتقادی، عملی و اخلاقی بهم‌پیوسته‌ای است که از جانب خدا بر پیامبران وحی شده تا مردم را براساس آن، ارشاد کنند. از این رو، نگاه آن‌ها به دین، درون‌دینی و از نوع معرفت‌شناسی است. دیدگاه‌هایی که دین‌پژوهان جدید درباره منشاء دین ارائه کرده‌اند، به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: دیدگاه‌های الحادی یا تکامل‌گرایانه و دیدگاه‌های خداگرایانه (باهنر، ۱۳۶۱، ص ۷۰).

۳- عبادت در قرآن

عبادت در قرآن از جایگاه خاصی برخوردار است و به عنوان عهد و پیمان خداوند با بندگان بیان شده است. توحید عبادی اصلی‌ترین آموزه‌های پیامبران الهی و رهانیدن انسان از پرستش غیر خداست.

بهترین دلیل برای عبادت خداوند در قرآن با توجه به صفات و اسماء حسناى خداوند، شایستگی ذات خداوند برای عبادت است؛ هرچند انگیزه‌هایی چون شکرگزاری از خداوند، ترس از عقوبت و کسب پاداش نیز می‌تواند دلیل بر عبادت باشد. حقیقت عبادت پرستش همراه با تواضع و خضوع، اخلاص و معرفت الهی است. نیت نیز از بخش‌های مهم عبادت است و عبادتی که با نیت الهی و اخلاص همراه نباشد، عبادت حقیقی نیست. مرحله کمال عبادت، عبودیت و بندگی خداوند است و هدف از عبادت نیز رسیدن به مرحله کمال و لقاء الهی است. رسیدن به مقام عبودیت و بندگی مطلق و بی چون و چرای خداوند در قرآن بسیار مورد توجه است و بهترین نوع عبادت، عبادتی است که تنها برای رضایت خداوند و با حب و عشق و دوستی خداوند انجام شود. همچنین عبادت با احکام و فضایل اخلاقی رابطه‌ی تنگاتنگی دارد. رابطه‌ی بین عبادت و احکام در اسلام در اصل نیت خلاصه می‌شود. احکام عبادی برای اینکه مثمر ثمر قرارگیرد، باید با نیت خالص الهی انجام شوند. انسان هرچه در جهت رسیدن به مقام قرب الهی و کمال عبادت تلاش کند، فضایل اخلاقی نیز در او رشد کرده تا به والاترین درجه خود برسد (شیاسی، ۱۳۸۹، صص ۱۳-۱).

۴- طاعت و عبادت از منظر ملاصدرا

ملاصدرا در اشراق پنجم از شاهد دوم مشهد آخر کتاب شواهد الربوبیه، ذیل عنوان «در بیان اسرار شریعت و فایده طاعات و عبادات» این گونه می‌آورد:

- در سخنان گذشته خویش بدین نکته اشاره کردیم که حقیقت انسان، حقیقتی است جمعی و تألیفی که مشتمل است بر عده‌ای از امور که در عین حال دارای وحدت تألیفی است، نظیر وحدت تألیفیه عالم، و اینکه وحدت او، وحدتی است دارای مراتب متفاوت و مختلفی از حیث تجرد و تجسم و صفا و تکدر، و بدین جهت او را عالم صغیر خوانند. انسان مشتمل است بر چیزی مانند عقل و چیزی مانند نفس و چیزی مانند طبع که برای هر یک از امور سه گانه، آثار و لوازمی است و کمال انسانی در این است که در نتیجه سعی و کوشش از مرتبه و حر طبع، به مرتبه و حد عقل ارتقا یابد، تا از ساکنان حریم حضرت الهی گردد و این هنگامی است که باطن وی به نور علم و دانش حقیقی روشن شود و در نتیجه عمل و سعی و کوشش، از عالم دنیا و علایق و خصوصیات آن تجرد حاصل نماید (صدراللدین شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲).

علم و عمل برای ملاصدرا پایه‌های نردبانی هستند که دستیابی به «آسمان ازل» و بالاروی از هرم هستی، جز از این دو راه ممکن نیست. «نسبت علم و عمل» در منظومه صدرایی همچون «نسبت جان و تن» است؛ اما از علم شناسی حکمت متعالیه با ذکر این جمله که «علم منحصر است در علم بطون قرآن و حدیث، نه ظاهر آنچه فهم همه کس بدان می‌رسد»، به عبادت‌شناسی فلسفی او می‌رسیم (صدرالدین شیرازی، ۱۹۹۰م، ص ۲۵۷).

۱-۴ تمایز میان عبادت تکوینی و اختیاری

ملاصدرا با تفسیر آیه «... وَ إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ...» (اسراء/۴۴)، مطابق هستی‌شناسی خود، عبادت و تسبیح خداوند را ویژگی عام همه موجودات برمی‌شمرد؛ و تسبیح حق تعالی را به امکان فقری موجودات و شوق ایشان برای صعود از نردبان هستی پیوند می‌دهد. اما عبادت انسان در میان این مجموعه، مقوله متفاوت و متمایزی است که دو بُعد دارد. در بُعد نخستین، انسان نیز همانند تمام «شیء ها» تسبیح‌گوی خداوند است؛ این مرتبه تسبیح، عبادت انسان بماهو موجود است، نه انسان بماهو انسان. اما بُعد دوم عبادت انسانی، که دلیل آفرینش انسان نیز هست، همان عنصری است که در کنار علم حقیقی، از انسان، انسان می‌سازد.

وضع عبادت‌های شرعی از سوی خداوند، برآوردن این نیاز انسانی است. انسان‌ها به اعتقاد ملاصدرا، ذاتاً به عبادت خداوند گرایش دارند ولی بر اثر نادانی خود به بیراهه می‌روند. بدین ترتیب حتی بت‌پرستان نیز از آن رو که بت‌ها را خدا می‌پندارند، ایشان را عبادت می‌کنند. پس عبادت خداوند دارای دو وجه آگاهانه و ناآگاهانه است؛ دو وجهی که تنها در انسان موجود است. بنابراین ملاصدرا میان دو بُعد آگاهانه و ناآگاهانه عبادت، تمایز قائل می‌شود؛ تمایزی که منطبق بر آرای وی در وجودشناسی و انسان‌شناسی است (مرتضوی باباحیدری، ۱۳۹۲، صص ۱۳-۱).

۲-۴ چرایی وضع عبادت

ملاصدرا در باب چرایی وضع عبادت‌ها چنین می‌نویسد:

- غرض از وضع قوانین و نوامیس الهی و ایجاب و الزام طاعات و عبادات این است که عالم غیب، عالم شهادت را به استخدام خویش درآورد و شهوات و امیال نفسانی خادم عقل و مطیع فرمان او باشند، و جزء به کل بازگردد و دنیا به آخرت ارتحال یابد و به سوی آن کوچ

کند و محسوس معقول گردد و واضع قانون و ناموس، مردم را به آنچه گفتیم ترغیب و تحریص نماید (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۳۴۰).

چنانکه در این متن می‌بینیم؛ چرایی وضع عبادت‌ها با شیوه خاص وجودشناسی و انسان‌شناسی صدرایی توضیح داده می‌شود. به اعتقاد ملاصدرا، انجام عبادت‌ها به بال رفتن روح و جسم از مدارج هستی و دستیابی به سعادت‌ها کمک می‌کند. تبدیل دایمی نفس و جسم انسانی، به واسطه پیروی از عبادت‌های شرعی به سوی تعالی و تکامل راه می‌یابد و امکان فراروی از عالم شهادت به عالم غیب و تولد مراتب عالی عقل نظری را فراهم می‌سازد. عبادت‌ها حتی در جسم انسانی نیز تأثیر می‌گذارند و آن را به سمت روحانی شدن سوق می‌دهند.

ملاصدرا در برخی از آثار خود از جمله اسفار، شرح اصول کافی و رساله قضا و قدر به دعا و اهمیت آن پرداخته است. وی ضمن اینکه دعا را معادل با درخواست رحمت و بخشش از خداوند به صورت زاری، فروتنی و خواری دانسته، کوشیده است در فلسفه خود زوایای پنهان این بحث را باز نماید. او با قائل بودن به این امر که دعا در نظام هستی امری سودمند است و برای فرد داعی ثمراتی را به دنبال دارد، معتقد است که دعاها و راز و نیازها می‌تواند دو جهت داشته باشد: اول اینکه راز و نیاز بندگان میتواند علت و سبب رسیدن به اهداف متعالی و مقاصد بلند باشد. در واقع به اعتقاد وی، هنگامی که نفس انسانی معطوف پروردگار می‌گردد و از لذت حیوانی و خواسته‌های مادی، شهبانی و زودگذر صرف نظر می‌کند و همچنین از کالبد جسم خاکی و ظلمانی که حایل بین انسان و عالم قدسی است فاصله می‌گیرد، به مراتبی دست می‌یابد که درهای رحمت پروردگار به سوی او گشوده می‌شود و مشمول الطاف الهی میگردد؛ در این حالت است که انسان در سایه تهذیب نفس و دوری و پیراستگی از آلودگی‌های جسمانی و لذات مادی و حسی از طرف پروردگارش به مقاماتی دست می‌یابد که به وسیله آن، می‌تواند منشأ دخل و تصرف و دگرگونی‌ها و تحولات شگفت‌انگیزی باشد که با معیارهای علوم حسی و ظاهری قابل تبیین و توجیه نیست؛ مثلاً مریضی را شفا دهد یا اشرار را مریض کند و یا عنصری را به عنصر دیگر تبدیل نماید.

دومین جهتی که از منظر ملاصدرا مترتب بر دعای بندگان است و به خاطر آن، انسان‌ها علی‌رغم آگاهی خداوند از خواسته‌های درونیشان باز باید دعا کنند، این است که چون کیفیت علم خداوند و

قضا و قدر از اندیشه ما پنهان است، حکمت الهی اقتضا می‌کند که بنده بین خوف و رجاء معلق باشد و همین ترس و امید، یکی از علل مکلف بودن انسان‌ها به دعاست (ملاصدرا، بی تا، ص ۲۰۹).

۵- مفهوم عبادت با قربانی و اجر آن در اوپانیشادها

اندیشه وران بزرگ معاصر هند، رادهاکریشنن، تاریخ فرهنگ هند را به چهار دوره بزرگ بخش کرده است:

(۱) دوره ودایی، ۶۰۰-۱۵۰۰ پیش از میلاد (Vedic Period)

(۲) دوره حماسیاز ۶۰۰ پیش از میلاد تا ۲۰۰ پس از میلاد (Epic Period)

(۳) دوره سُوتراها از سده دوم میلادی آغاز (Sutra Period)

(۴) دوره مَدَرسِیاز سده دوم میلادی آغاز (Scholastic Period)

دوره ودایی دوره گسترش تمدن و فرهنگ آریایی در هند است، آغاز سرودهای ریگ ودا و برهماناها تفسیرهای سرودهای ریگ ودا و آغاز دوران ایده آلیسم ملکوتی اوپانیشادها است. وداها، که شمار آن‌ها بسیار زیاد است، سرودهایی است تمثیلی در ستایش و ثنای خدایان گوناگون. برهماناها، تفسیرهایی است که کاهنان و برهمن‌ها در بیان مراسم عبادی و قربانی بروداها نگاشتند، که سرانجام به شکل باورهای جزمی و قشری درآمد، و اندیشه در بند آن ماند، و از مرز و کرانه ای که موبدان و برهمن‌ها پدید آورده بودند، فراتر نرفت. در برابر اندیشه‌های خشک و متعصبانه برهمن‌ها، واکنشی پدید آمد. این واکنش با ظهور اوپانیشادها، که بی‌گمان ارزنده‌ترین آثاری است که معنویت و فرهنگ هندو به عالم فلسفی تقدیم کرده است، آغاز می‌شود. دگرگونی معنویت هندو از دوره (براهمانا) به دوره (وپانیشادها)، از شگفتی‌های تاریخ فلسفه به شمار می‌رود. در دوره برهماناها، تأکید بر اجرای رسم‌ها و آیین‌های عبادی به شکل صوری و خشک بوده است، او در اوپانیشادها شیوه تحقیق باطنی گردیده و نگرش فلسفی از (بیرون) به (درون) گراییده و (قربانگاه) دگر به پیکر و جسد مرتاض (سالک رهپو) و (قربانی) دگر به حیات او و (هدف قربانی) دگر به ذات و حقیقت او شد. این گرایش به درون و باطن و جستجوی کلید راستی‌ها و سزاواری‌های درون، از ویژگی‌های جداکننده (وپانیشادها) است؛ (درونی شدن مسائل و مباحث بزرگ فلسفی و جهان‌شناسی). اوپانیشادها، منشأ فیاض و سرشار بیش‌تر تجلی‌های معنوی هند است. و آیین تمام‌نمای عمده باورهایی است که در آن دوره در حال تکوین بوده است.

این دگرگونی در اندیشه هندوان، آنچنان دگرگونی ای پدید آورد که برای نخستین بار، جستارهایی که زیر پرده پنهان بودند، ناگهان رخ نمودند. مقوله‌ها، گزاره‌های پیچیده فلسفی، که تمام اصول هستی، عالم و وجود انسان را بررسی می‌کرد، بی‌پرده و با شیوه‌ای دلپذیر نمایان گشتند و آیین کهن نیایش و مراسم عبادی را در پرتو خود گرفتند. مسأله بنیادی اوپانیشادها، جست‌وجوهای ظاهری سلسله علتهای و معلولها و نیروهای مرموز طبیعت نیست، بلکه مراد شناختن و فعلیت بخشیدن به واقعیت باطن و حقیقت درون است که بدان (خود، نفس، یا Atman) گفته‌اند. یکی از اهداف زندگی هندوها، راه‌کار یا کردار یعنی رفتارها یا پیروی‌های دینی است که از دوران باستان نزد هندوها ماندگار شده اما نزد برگزیدگان این روش، چندان شأن و پایه‌ای ندارد. توده مردم هندو به این روش می‌روند، چرا که هم آسان است و هم درخور درک و هم نگرهبان سنت و آداب تاریخی است، و مرد سالک عابد، تلاش می‌کند با به جای آوردن عبادات، به سرمنزل مقصود برسد. در این شیوه هندوان به یک سلسله قربانی‌ها و هدایا باور دارند که باید به درگاه خدایان پیشکش کنند، یا به ارواح اجداد گذشته نثار نمایند. این راه در (براهمانا)ها، تفسیرهای وداها، ذکر شده است و نیز در قانونهای (ماتو) آمده است. زنان نیز وظیفه‌های ویژه خود را دارند (بی‌ژام، ۱۳۸۲، ص ۲۰).

در آیین هندوها به پرستش لایزال اعتقاد دارند و براین باورند که اگر کسی مراسم قربانی و عبادت را انجام دهد و هزارها سال در این جهان ریاضت بکشد ولی آن لایزال را نشناسد کارش واقعاً ناقص است ولی کسی که از این جهان برود در صورتی که لایزال را بشناسد او برهمن است (شفق، ۱۳۴۵، ص ۱۱۶).

جمع بندی

- ۱) فلسفه عبادت صدرایی، از وجود شناسی و انسان شناسی وی زاده می‌شود و هم چون نتیجه منطقی این دو ظاهر میگردد. عبادت از نگاه اوپانیشادها هم از درون و باطن آنها سرچشمه می‌گیرد و هدف قربانی و عبادت، ذات و حقیقت است و مسأله بنیادی، جست‌وجوهای ظاهری سلسله علتهای و معلولها و نیروهای مرموز طبیعت نیست، بلکه مراد شناختن و فعلیت بخشیدن به واقعیت باطن و حقیقت درون است که بدان (خود، نفس، یا Atman) گفته‌اند
- ۲) در عبادت صدرایی، انسان دارای دو بعد است. در بعد نخستین، انسان نیز همانند تمام (شیءها) تسبیحگویی خداوند است؛ این مرتبه تسبیح، عبادت انسان بما هوموجود است،

همان اسان بماهوانسان. اما بعد دوم عبادت انسانی، که علت خلقت انسان نیز هست، همان عنصری است که در کنار علم حقیقی، از انسان، انسان می سازد. عبادت در آموزه‌های اوپانیشادها بدین قرار است که نادانی را از بین می‌برند و معرفت الهی را که پل رستگاری و آیین زنده‌داری است به برگزیدگانی چند عرضه می‌دارد که بر گرفته از واژه پرستش و عبادت است. آموزه‌های اوپانیشادها را تنها به کسانی می‌توان آموخت که بهره‌ای چند از وارستگی و فرزنگی برده و شایستگی پذیرفتن این (کان خرد) را فراهم آورده باشند. دوران جنگل نشینی را که با رساله‌های آرنیکاها که فصل مربوط به عبادت و نیایش و مناجات (براهماها) هستند، آغاز گردید و به (وپانیشاد)ها انجامید، دوران (دانشگاه‌های جنگلی) گفته‌اند.

۳) در باب چرایی وضع عبادتها بهتر آن است که سخن ملاصدرا را عیناً نقل کنیم:

«غرض از وضع قوانین و نوامیس الهی و ایجاب و الزام طاعات و عبادات این است که عالم غیب، عالم شهادت را به استخدام خویش در آورد و شهوات و امیال نفسانی خادم عقل و مطیع فرمان او باشند، و جزء به کل باز گردد و دنیا به آخرت ارتحال یابد و به سوی آن کوچ کند و محسوس معقول گردد و واضح قانون و ناموس، مردم را به آنچه گفتیم، ترغیب و تحریص نماید» (ملاصدرا، رسایل سه اصل، ۴۴۹).

وپانیشادها، منشأ فیاض و سرشار بیش‌تر تجلیهای معنوی هند است. و آئینه تمام‌نمای عمده باورهایی است که در آن دوره در حال تکوین بوده است. سراینندگان اوپانیشادها فرزنانگان و نیوشندگان احکام حق (Kavayah Satyasrutah) بودند که در دل جنگلهای بکر هند خلوت می‌گزیدند و به خویشتن کاوی می‌پرداختند و تجارب معنوی را که از مبدأ فیاض ایزدی به آنها الهام می‌شد و با علم حضوری و اشراق در درون آنها سریان می‌یافت، به سیاق (وحدت وجود) ابراز می‌داشتند و به جامه جمله‌های مرموز می‌آراستند. گویی سراینندگان این سرودها، حقیقتها و راستیهای عالم غیب را از مبدأ فیض الهی، یک راست درمی‌یافتند و در قالب محدود فکر و معنی می‌ریختند. گاهی نیز ناتوانی و دستگاه ادراک انسان، جهت رساندن این معانی ملکوتی، به خوبی احساس می‌شود و اوپانیشاد ناگزیر به تناقض‌گویی (Paradox) می‌گراید و ناتوانی انسان را در تعریف حقایق لایتناهی‌ای که در بند نمی‌گنجند و به هیچ قیدی مقید نمی‌شوند، بیان می‌کند.

منابع:

۱. سعیدی، امین‌الدین، ۱۳۹۴، مفهوم عبادت و نماز در اسلام،
۲. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، ۱۹۷۰، تاج العروس من جواهر القاموس، جلد ۸، بیروت، دارالهدایه.
۳. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۳۷۶، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دارالعلم للملایین.
۴. ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۹۵۶م، لسان العرب، جلد ۹، بیروت، دارصادر.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۹۹۶م، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، قم، ذوی القربی.
۶. ابن تیمیه، تقی‌الدین احمد بن عبدالحلیم، ۱۳۷۴، العبودیة، مكتبة دارالاصاله.
۷. شریفات، عبدالمحمد، ۱۳۹۴، مفهوم عبادت از دیدگاه ابن تیمیه، نشریه سراج منیر، شماره ۱۶.
۸. مصاحب، غلامحسین، ۱۳۸۰، دائرة المعارف فارسی، تهران، امیرکبیر.
۹. آقای میبیدی، احمد، ۱۳۹۰، فطری بودن قربانی و راز انحرافات آن در ادیان ابتدایی، فصلنامه معرفت ادیان، سال دوم، شماره دوم.
۱۰. استیس والتر، ترنس، ۱۳۷۷، دین و نگرش نوین، ترجمه احمدرضا جلیلی، ویراسته: مصطفی ملکیان، تهران، حکمت.
۱۱. باهنر، محمدجواد، ۱۳۶۱، معارف اسلامی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۱۲. شیاسی، سکینه، ۱۳۸۹، عبادت در قرآن و عهد عتیق، پایان نامه رشته علوم قرآن دانشکده تفسیر و معارف قرآن کریم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.
۱۳. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمد بن ابراهیم، ۱۳۸۵، الشواهد الربوبیة، ترجمه جواد مصلح، تهران، سروش.
۱۴. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمد بن ابراهیم، ۱۹۹۰م، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، جلد ۱، بیروت، دارالتراث العربی.

۱۵. مرتضوی باباحیدری، سید رحمان، ۱۳۹۲، فلسفه عبادت از دیدگاه ملاصدرا، معارف عقلی، سال هشتم، شماره دوم، پیاپی ۲۷.
۱۶. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمد بن ابراهیم، بی تا، الرسائل، قم، مکتبه المصطفوی.
۱۷. بی‌ژاءم، ع، ۱۳۸۲، فلسفه اوپانیشادها و عرفان بهاگودکیت، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، شماره ۱۲۰.
۱۸. رضازاده شفق، صادق، ۱۳۴۵، گزیده اوپه نیشدها، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.